

## تعیین نقش عوامل روانی اجتماعی موثر در آشفتگی هویت نوجوانان دختر

سمیه علیجانی<sup>۱\*</sup>، حسینعلی مهرابی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد alijani\_S2012@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

### چکیده

دوران نوجوانی مرحله‌ای از چرخه زندگی فردی است که در آن نوجوان تغییر و تحولات همه‌جانبه جسمی و روانی را تجربه می‌نماید و عواملی همچون عملکرد خانواده، دلبستگی‌های عاطفی و گرایش به دوستان از مقوله‌های مطرح در این دوران هستند که کلیت زندگی و هویت نوجوانان را متأثر می‌سازد. بر این اساس، در این مطالعه، به تعیین رابطه بین آشفتگی هویت با نگرش به دوستان، عملکرد خانواده، سبک‌های دلبستگی و سابقه کودک‌آزاری به عنوان متغیرهای روانی اجتماعی موثر در هویت پرداخته شد. ضمن این که پیش‌بینی آشفتگی هویت بر اساس این مولفه‌ها، در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه ساکن شهر درچه هدف اصلی این مطالعه بود. بر این اساس، در قالب یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی، تعداد ۱۵۰ دانش‌آموز دختر دوره متوسطه شهر درچه به شیوه خوشه‌ای انتخاب و با استفاده از مقیاس‌های سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، سبک‌های هویتی، سنجش خانواده (FAD)، نگرش به دوستان و پرسشنامه کودک‌آزاری (محمدخانی، ۱۳۸۰) مورد ارزیابی قرار گرفتند. در حالی که یافته‌های حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌داد با بالا رفتن نمرات سبک‌های دلبستگی اجتنابی و ناایمن، آشفتگی شدن عملکرد کلی خانواده و ارتباطات بین فردی اعضای خانواده و بیشتر بودن سابقه کودک‌آزاری در ابعاد جسمی و روانی و غفلت، هویت دختران نوجوان آشفتگی بیشتری می‌شود (p<0/05).

**کلید واژه‌ها:** سبک‌های دلبستگی؛ آشفتگی هویت؛ عملکرد خانواده؛ نگرش به دوستان؛ سابقه کودک‌آزاری و نوجوانان دختر

### مقدمه

فرد در خلال مرحله شکل‌گیری هویت احتمال دارد شدیدتر از هر زمان دیگر، چه در گذشته و چه در آینده از نوعی سردرگمی و آشفتگی نقشه‌ها یا همان چیزی که اریکسون، "آشفتگی هویت" می‌نامد، رنج ببرد. این حالت سبب می‌شود وی احساس کند منزوی، تهی، مضطرب و مردود شده است، احساس می‌کند که باید تصمیم‌های مهمی بگیرد لیکن قادر به انجام دادن این کار نیست. احساس می‌کند که جامعه به او فشار می‌آورد تا تصمیم‌هایی اتخاذ کند اما او مقاومت می‌کند. در طی آشفتگی هویت، فرد ممکن است احساس کند به جای آنکه در حال پیشرفت باشد دچار پس‌روی است (شرفی، ۱۳۸۹).

اریکسون (۱۹۶۸) نشان داد که نتایج موفقیت‌آمیز مراحل قبلی رشد روانی-اجتماعی راه را برای حل مثبت و موفقیت‌آمیز تعارض‌های روانی دوره نوجوانی، که وی آن را شکل‌گیری هویت در مقابل اغتشاش هویت نامیده است، هموار می‌کند. به نظر وی، افرادی که با احساس ضعیف امنیت به نوجوانی می‌رسند در یافتن آرمان‌هایی که به آن تکیه کنند مشکل خواهند داشت. کسانی که با مقدار اندکی از "خود مختاری" و "ابتکار عمل" به دوره نوجوانی می‌رسند قادر نیستند به انتخاب و کشف فعالانه راه مناسب از میان راه‌های گوناگون زندگی بپردازند. همچنین، آنان که فاقد احساس و قدرت "پرکاری و سازندگی" هستند نمی‌توانند شغلی را انتخاب کنند که مناسب علائق و مهارت‌هایشان باشد.

درواقع این گروه از نوجوانان عموماً سطحی و کم‌مایه هستند و مسیر مشخصی برای زندگی ندارند و این ممکن است به دلیل حل نشدن تعارض‌های پیشین آنان یا به سبب مشکلات خانوادگی، آموزشی و اجتماعی باشد که آنان را احاطه کرده و قادر نیستند توانایی‌ها و آرزوهای خود را به درستی هماهنگ سازند.

مید (۱۹۲۸) با مقایسه چگونگی روحيات و عواطف نوجوانان ساموآیی با نوجوانان، دریافت که بحران نوجوانی به فرهنگ محیط اجتماعی و سبک پرورش فرزندان بستگی دارد. قنبری (۱۳۹۰) هم نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند شدت بحران هویت و نارضایتی از زندگی را در نوجوانان کاهش دهد، همچنین اعتماد به نفس افراد را بهبود بخشد. نصیری (۱۳۸۹) هم نشان داد آموزش گروهی شیوه‌های حل مساله بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر موثر بوده است. حسین پور (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان داد که آموزش مسولیت‌پذیری به شیوه واقعیت‌درمانی گلاسر باعث کاهش بحران هویت دانش‌آموزان دختر گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می‌شود.

اگر چه بررسی‌های مختلف به نقش متغیرهای متعددی در آشفتگی هویت پرداخته‌اند، اما پژوهشی که به طور همزمان به بررسی نقش مولفه‌های نگرش به دوستان، سبک‌های دلبستگی، عملکرد خانواده و کودک‌آزاری در آشفتگی هویت پرداخته باشد، مشاهده نشد. این مساله به ویژه در نوجوانان دختر کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، در این مطالعه به بررسی رابطه بین آشفتگی هویت و عملکرد خانواده، نگرش به دوستان، سابقه کودک‌آزاری، سبک‌های دلبستگی و برخی متغیرهای خانوادگی و پیش‌بینی آشفتگی هویت بر اساس این مولفه‌ها در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر درچه اصفهان پرداخته شد.

## روش

### شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

بر این اساس، در قالب یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی، تعداد ۱۵۰ دانش‌آموز دختر دوره متوسطه که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در شهر درچه اصفهان مشغول به تحصیل در پایه‌های اول تا سوم بودند. به شیوه خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب گردیدند.

### ابزار

**پرسشنامه عملکرد خانواده:** یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است که برای سنجیدن عملکرد خانواده بنا بر الگوی مک مستر تدوین شده است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد و شش بعد از عملکرد خانواده را مشخص می‌کند. به علاوه یک خرده‌مقیاس هفتم که عملکرد کلی خانواده را می‌سنجد. به هر سؤال ۱ تا ۴ نمره با استفاده از کلید داده می‌شود. اعتبار ابزار "سنجش خانواده" با ضرایب آلفای خرده‌مقیاس‌های خود از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است. روایی این ابزار هم در مطالعات مختلف تایید شده است (ثنائی، ۱۳۷۹). در این مطالعه از دو مقیاس عملکرد کلی خانواده و ارتباطات این پرسشنامه استفاده شد.

**پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان:** این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال است و توسط هازان و شیور (۱۹۸۷) ارائه شده است. این پرسشنامه دارای سه خرده‌مقیاس می‌باشد و به هر خرده‌مقیاس ۵ سؤال تعلق می‌گیرد. سؤالات در یک طیف ۵ درجه‌ای از هرگز تا تقریباً همیشه از ۱ تا ۵ نمره گذاری می‌شود. نمره‌های خرده‌مقیاس‌های دلبستگی توسط میانگین ۵ سؤال برای هر خرده‌مقیاس به دست می‌آید. هازان و شیور (۱۹۸۷) اعتبار بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و اعتبار با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ بدست آوردند.

**مقیاس خود گزارشی کودک‌آزاری:** این مقیاس که توسط محمد خانی و همکاران در سال ۱۳۸۱ ساخته شده است. متشکل از ۳۸ سؤال می‌باشد که ۴ حوزه آزار جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت را تشخیص و ارزیابی می‌کند. هر یک از سؤالات مقیاس فوق بر اساس درجه بندی لیکرت در مقیاس ۴ گزینه‌ای با واژه هرگز، بیانگر نبود آزار، گاهی اوقات، اکثر اوقات و همیشه که بیانگر وجود مداوم آزار درجه بندی شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس خود گزارشی کودک‌آزاری را ۰/۹۲ بدست آورد.

**سبک‌های هویتی برزنسکی:** این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه می‌باشد که ارزیابی وضعیت نوجوان را در سه تکلیف هویتی روابط اجتماعی، آینده شغلی و هویت جنسی و نقش‌های جنسی می‌پردازد. پاسخدهی به این پرسشنامه در قالب طیف لیکرت ۵ گویه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف با نمره گذاری از ۱ تا ۵ می‌باشد. اعتبار خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۳ به شیوه آلفای کرونباخ دست آمده است.

## شیوه اجرا

با توجه به اهداف تحقیق، پس از تعیین ابزار جمع‌آوری اطلاعات و هماهنگی اداری، از بین دبیرستانهای دخترانه شهر درجه، سه مدرسه به تصادف انتخاب شد و در هر مدرسه، از بین کلاسهای درس پایه‌های مختلف، سه کلاس و در مجموع نه کلاس به تصادف انتخاب و در ابتدای جلسه ضمن معرفی محقق و اهداف تحقیق و نحوه پاسخگویی، پرسشنامه‌ها جهت تکمیل، در اختیار دانش‌آموزان گذاشته شد. در نهایت پس از ورود نمرات در نرم‌افزار آماری SPSS-18، شاخص‌های توصیفی محاسبه و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام، به ارزیابی اهداف تحقیق پرداخته شد.

## نتایج

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی، ضرایب همبستگی و نتایج رگرسیون گام به گام جهت پیش‌بینی آشفتگی هویتی

| حیطه  | متغیر          | میانگین | انحراف استاندارد | ضریب همبستگی | معناداری | گام | ضریب رگرسیون | سهم خالص | F       |
|---|----------------|---------|------------------|--------------|----------|-----|--------------|----------|---------|
|   | آشفتگی هویت    | ۶۸/۹۱   | ۱۵/۱             | -            | -        | -   | -            | -        | -       |
| عملکرد خانواده  | عملکرد کلی     | ۴۰/۱۵   | ۸/۱              | -۰/۱۶۱       | -۰/۰۳۰   | -   | -            | -        | -       |
|   | ارتباطات       | ۱۷/۳۱   | ۴/۰              | -۰/۱۹۷       | -۰/۰۱۱   | -   | -            | -        | -       |
|   | نگرش به دوستان | ۱۹/۷۲   | ۴/۷              | -۰/۰۰۲       | -۰/۴۸۹   | -   | -            | -        | -       |
| سابقه کودک‌آزاری  | آزار جنسی      | ۱/۲۵    | ۲/۲              | -۰/۱۵۶       | -۰/۰۳۵   | -   | -            | -        | -       |
|   | آزار روانی     | ۷/۶۲    | ۴/۹              | -۰/۲۶۵       | -۰/۰۰۱   | -   | -            | -        | -       |
|   | غفلت           | ۵/۷۴    | ۶/۰              | -۰/۲۷۴       | -۰/۰۰۱   | -   | -            | -        | -       |
| سبک دلبستگی   | آزار جسمی      | ۱/۱۹    | ۲/۳              | -۰/۲۹۱       | -۰/۰۰۰   | ۱   | -۰/۲۹۱       | ۸/۵%     | ۱۲/۵۱*  |
|   | اجتنابی        | ۱۸/۴۲   | ۳/۰              | -۰/۲۰۹       | -۰/۰۰۷   | ۳   | -۰/۴۳۳       | ۲/۶%     | ۰/۴/۲۱* |
|   | نا ایمن        | ۷/۲۵    | ۳/۶              | -۰/۲۰۹       | -۰/۰۰۷   | -   | -            | -        | -       |
| ویژگی‌های فردی و خانوادگی   | ایمن           | ۱۴/۸۴   | ۴/۶              | -۰/۱۰۹       | -۰/۱۰۲   | -   | -            | -        | -       |
|   | فعالیت گروهی   | ۰/۶۳    | ۰/۵              | -۰/۲۹۰       | -۰/۰۰۰   | ۲   | -۰/۴۰۲       | ۷/۷%     | ۱۲/۳۴*  |
|   | تحصیلات پدر    | ۳/۵۲    | ۲/۱              | -۰/۱۶۰       | -۰/۰۳۱   | -   | -            | -        | -       |
|   | تحصیلات مادر   | ۳/۰۷    | ۱/۸              | -۰/۰۳۲       | -۰/۳۵۳   | -   | -            | -        | -       |
|   | سن پدر         | ۴۶/۲۰   | ۶/۱              | -۰/۱۷۴       | -۰/۰۲۱   | -   | -            | -        | -       |
| سن مادر   | سن مادر        | ۴۰/۶۵   | ۵/۰              | -۰/۰۷۸       | -۰/۱۸۴   | -   | -            | -        | -       |
|   | ترتیب تولد     | ۲/۲۳    | ۱/۲              | -۰/۱۴۰       | -۰/۰۵۲   | -   | -            | -        | -       |
| سهم کل = ۱۸/۸%      شاخص وضعیت = ۱۵/۳۶      ضریب دوربین-واتسون = ۱/۷۶      n=۱۵۰      *(p<۰/۰۵) |                |         |                  |              |          |     |              |          |         |

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون مندرج در جدول (۱) نشان داد با مختل شدن عملکرد کلی خانواده و روابط بین اعضای خانواده، بالا رفتن میزان کودک‌آزاری در ابعاد مختلف جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت دلبستگی اجتنابی و ناایمن بیشتر، به همراه

تحصیلات کمتر پدر و مشارکت کمتر در فعالیت‌های گروهی به همراه سن بیشتر پدر و ترتیب تولد بالاتر، آشفتگی هویتی نوجوانان دختر به طور معنا داری کاهش می‌یابد ( $p < 0/05$ ).

این در حالی است که نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که از بین متغیرهای مورد بررسی، به ترتیب سابقه آزار جسمی با ضریب رگرسیون  $0/291$  قادر به تبیین  $8/5\%$  مشارکت در فعالیت گروهی با ضریب رگرسیون  $0/402$  قادر به تبیین  $7/7\%$  و در گام سوم سبک دلبستگی اجتنابی با ضریب رگرسیون  $0/433$  قادر به تبیین  $2/6\%$  و این سه متغیر در مجموع  $18/8\%$  از آشفتگی هویتی دانش آموزان دختر دوره متوسطه را تبیین می‌کنند ( $p < 0/05$ ).

## بحث

نتایج نهایی این مطالعه نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از متغیرهای روانی-اجتماعی در آشفتگی هویت دختران نوجوان دخیل هستند؛ از سبک‌های دلبستگی که در ادوار قبلی زندگی شکل گرفته، تا سابقه کودک‌آزاری قبلی و یا فعلی. علاوه بر آن، پویایی‌های خانوادگی و برداشتی که نوجوان از ارتباطات اعضای خانواده با یکدیگر دارند هم نباید غافل بود. این در حالی است که به طبع دوران بلوغ و شکل‌گیری هویت، وضعیت نوجوان دختر در سه مولفه اصلی هویت یعنی تعیین روابط اجتماعی، نوع رابطه با جنس مخالف و ابهام در پیگیری شغل هم ارتباط تنگاتنگ و البته معکوسی با آشفتگی هویت دارند؛ علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که از مجموع این متغیرها، دو بعد کودک‌آزاری روانی و غفلت به همراه ادراک از عملکرد کلی خانواده و هویت جنسی قادر به تبیین  $43/4\%$  از آشفتگی هویت دختران نوجوان می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که خانواده به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر آشفتگی هویت دختران نوجوان خود تأثیر می‌گذارد؛ از یک سو به واسطه نوع تعاملات کلی اعضا با یکدیگر و بر حسب پویایی‌های فعلی آن و جو کلی خانواده است که موجب کاهش یا افزایش رضایت از زندگی فرزندان دختر خود می‌شود و از سوی دیگر، به طبع نوع برخورد با دختران و میزان آزاری که کودک از جانب اعضای خانواده خود ادراک می‌کند. این آزار می‌تواند در دوران کودکی بر دختران وارد شده باشد و هنوز اثرات خود را بر فرزندان نشان دهد، و از سوی دیگر، می‌تواند در زمان فعلی هم وجود داشته باشد و این مسأله باعث افزایش آشفتگی هویت به صورت غیرمستقیم از جانب خانواده گردد. علاوه بر این، در مقوله آشفتگی هویت جنسی هم، خانواده به صورت غیر مستقیم نقش خود را در آشفتگی هویت نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که نوع همسان‌سازی با والد همجنس و غیر همجنس از یک سو و یادگیری‌های درون خانواده در رابطه با جنس مخالف و پذیرش نقشها که از جانب اعضای خانواده صورت می‌گیرد، به همراه الگوهای ارتباطی خاصی که احتمالاً خانواده برای رابطه با جنس مخالف تعریف می‌کند، می‌تواند بر شکل‌گیری، ثبات و یا آشفتگی هویت جنسی دختران نوجوان اثر گذارد و این هویت جنسی خود نقش مهمی را در آشفتگی هویت ایفا کند. البته از این نکته هم نباید غافل شد که هویت جنسی از مولفه‌های دیگری نظیر آموزه‌های درون مدرسه‌ای، گروه‌های همسالان و رسانه‌ها و الگوهای مهم زندگی هم اثر می‌پذیرند. به نظر می‌رسد ناتوانی این مجموعه‌ها در ایجاد یک هویت جنسی باثبات در نوجوانان دختر، خود را در آشفتگی هویت نشان داده است که متأسفانه در جامعه ما کمتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این مطالعه، بر انجام اقدامات مداخله‌ای در جهت کاهش اثرات کودک‌آزاری در دختران، ارائه بینش به خانواده‌ها در جهت بهبود ارتباط با نوجوانان دختر متناسب با شرایط سنی آنان به همراه ارائه آموزش‌های روانشناختی در زمینه هویت و ماهیت هویت جنسی برای دختران نوجوان به ویژه در دوره متوسطه تأکید دارد.

## منابع

- خداپاری‌فرد، صبا؛ عابدین، علیرضا؛ یکه‌یزداندوست، رخساره؛ پورشهریاری، سیما و غرابی، بنفشه. (۱۳۸۶). مقایسه نتایج آزمون‌های فرافکن ترسیمی در کودکانی که مورد کودک‌آزاری جسمی قرار گرفته بودند با کودکان عادی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، *۳*، ۳۹.
- سموعی، راحله. (۱۳۷۸). بررسی شیوه‌های مقابله با فشار روانی در معتادان و غیر معتادان و تعیین رابطه آن با عملکرد خانواده آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده)، دانشگاه آزاد خوراسگان.
- شرفی، محمد رضا. (۱۳۸۹). جوان و بحران هویت. تهران: سروش.

غفاری نژاد، علیرضا. خردمند، علی. طوفانی، خاطره. (۱۳۸۹). آشفتگی هویت و وابستگی به مواد در بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی. *اعتیاد و سلامت*، ۲، ۷، ۴۱-۳۵

لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۰). عواطف و هویت نوجوانان و جوانان. تهران: نسل سوم.

مهرابی زاده، مهناز؛ نجاریان، بهمن؛ بحرینی، شهناز. (۱۳۷۹). رابطه شیوه های فرزند پروری با سلامت روانی و هماهنگی مولفه های خود پنداشت. *مجله روانشناسی*، ۱۳، ۴، ۹۷-۸۳.